



منبر مکتوب با موضوع

واکاوی برخی از الگوهای قرآنی در سیره امام خمینی (ره)

در خودسازی فردی و تربیت های اجتماعی، الگوی عملی سهم عمده ای ایفا می کند. مقصود، الگوها و سرمشق هایی است که تجسم آرمانها و بُعد عینیت یافته یک مکتب و مرام است. در زبان قرآن از اینگونه سرمشق های کمال والگوهای تزکیه و تربیت، به اسوه یاد شده است. در بحث های تربیتی و اخلاقی نیز گاهی می توان به صورت اخلاق نظری تعالیم دین و قرآن را مطرح نمود و گاهی به شکل اخلاق عملی، هردو شیوه مطلوب و مفید است. اما آنچه به نظر سازنده تر می رسد؛ پرداختن به سیره عملی و روشهای رفتار بزرگانی است که جنبه اسوه والگویی دارند نوعی میزان به حساب می آیند. یکی از عالی ترین الگوهای قابل پیروی برای انسانها، قرآن کریم و اهل بیت (ع) است. و باید اذعان نمود که حضرت امام خمینی (ره) پس از امامان معصوم (ع) والاترین الگوی عملی برای این عصر و نسل و همه اعصار و نسلها می باشد. جنبه های مختلف زندگی امام خمینی (ره) الگوی مناسبی برای کسانی است که می خواهند در عصر تحول و فن آوری براساس دستورات اسلامی حرکت کنند. زندگی آن امام فرزانه نیز دارای برجستگی ها و نقاط روشنی است که می تواند چراغی فرا روی پیروان راستین مکتب قرآن و عترت باشد. در این نوشتار در پی شناخت برخی از ویژگیها و الگوهای قرآنی در سیره و رفتار فردی و اجتماعی امام خمینی (ره) هستیم. ابزار کار بیان شود در این جستار سعی شده است با مراجعه به کتاب ها، سخنرانی ها و آثار امام خمینی به روشی تحلیلی و توصیفی به گوشه ای از آرمانهای این شخصیت برجسته اشاره شود.

مقدمه

در متن فرهنگ و معارف اسلامی همواره و به طور مکرر تاکید شده است که «ایمان» باید آمیخته با «عمل» باشد و در غیر این صورت فاقد اعتبار و ارزش است. قرآن کریم که سرچشمه اصلی همه معارف اصیل و متقن اسلامی می باشد؛ «مسلمان» را دارای هویتی از ایمان و عمل می شناسد و هر کس که در باور و اعتقاد بماند و به اعمال و رفتار صالحی که



در واقع باید آثار تسری ایمان در اعضا و جوارح باشد؛ روی نیاورد؛ ایمان ندارد. عبارت «الذین آمنوا و عملوا الصالحات» فراوان و مکرر در قرآن کریم تجلی و ظهور دارد (سوری / ۲۶؛ ص / ۲؛ تین / ۶؛ عصر / ۳؛ فصلت / ۳۳، نجم / ۳۹) به وضوح و صراحت پیوند ناگسستنی ایمان و عمل را تثبیت می نماید. پس از ائمه اطهار (ع) که هر کدام کامل ترین الگوی عملی در نمایاندن حقایق دین و دعوت مردمان به تعالیم و دستورالعمل های اسلامی بوده اند؛ علمای ربانی و عرفای کامل و واصل نیز با عملکردهای دقیق و ظریف خود و به تبعیت از پیشوایان معصوم (ع) به صورت الگوهای عملی، مبلغ و دعوت کننده مردم جامعه به ضوابط و ارزش های اسلامی در موضوعات گوناگون بوده اند. از آنجایی که مسئله چگونگی الگوسازی از اسوه های دینی متناسب با شرایط موجود از مسائل مهم و پیچیده ای است که امروزه متولیان تعلیم و تربیت اسلامی با آن روبرو هستند؛ ضرورت این نوشتار مشخص می شود؛ چرا که به طور قاطع می توان گفت که در نظام تربیتی اسلام، یکی از عوامل مؤثر در تکوین شخصیت مذهبی همانندسازی با الگوهای برتر است. از سوی دیگر تاریخ اجتماعی بشری نشان داده است که در صورت عدم وجود الگوها در یک جامعه انسانی، افراد در زندگی ظاهری و ایمانی خویش سردرگم و حیران می مانند. ^۱ در این میان بررسی الگوهای قرآنی سرمشق مناسبی در راه تعالی و تزکیه نفوس در تقرب به خداوند متعال است. مهمترین پرسش قابل طرح در این نوشتار، این است که اساساً الگوهای قرآنی در رفتار و سیره امام خمینی (ره) چه بوده و ایشان چه الگوها و آموزه هایی را از متن و بطن قرآن کریم در سیره ی طیبه ی خویش جاری و ساری نموده اند؟

۱ الگوهای قرآنی در رفتار حضرت امام خمینی (ره)

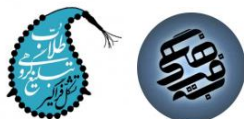
۱-۱ سیره و رفتار فردی

سیره به معنای راه، روش و طریقه دارای سه جزء است: گفتار، رفتار و چگونگی رفتار و گفتار. هنگامی که گفته می شود: سیره امام خمینی (ره)، مرادمان راه و روش ایشان است، هم چنین الگو در رفتار و سیره عملی به معنای، پیوند عملی، متابعت، پیروی و سرمشق از برگزیدگان است. (امینی، ۱۳۷۹، شماره ۹۹، صفحه ۴۲) شناخت رهبران الهی و چگونگی رفتار و کردار آنان در عرصه های مختلف اخلاق فردی و اجتماعی و الهام از آموزه هایی که راه گشای مشکلات انسان معاصر باشد؛ برای همه افراد بشر سودمند خواهد بود،

امام خمینی (ره) درس آموخته ی مکتب پیامبر (ص) و اهل بیت (علیهم السلام) است که پای بندی به ارزشهای اخلاقی در سیره آنان مشهود است. یکی از بهترین عرصه ای که رفتار ارزشی امام خمینی در آن تبلور یافته است؛ زندگی شخصی ایشان است. در این جا به نمونه هایی از تبلور ارزشهای اصیل قرآنی در اخلاق و سیره ی فردی ایشان اشاره می کنیم ^۱

۱-۱-۱ اخلاص

معیار ارزیابی و سنجش همه اعمال و رفتار آدمی، انگیزه و هدف اوست. اخلاص در انگیزه و هدف به مثابه روح در پیکر



اعمال است که به اعمال شادابی و جهت می‌بخشد. از توصیه‌های مهم امام خمینی(ره) در تثبیت و استواری کرامت انسانی و حفظ مراتب عالی اخلاق، که بدان بسیار توجه داشته و با استناد به آیات قرآنی همواره بدان اهتمام می‌ورزید؛ خالص کردن انگیزه‌ها و اعمال برای خداوند، در نیت و در عمل است؛ زیرا میزان و معیار در اعمال، انگیزه‌هایی هستند که مقصد اعمال قرار می‌گیرند. در این مسیر هرگونه قصد و آهنگ غیرالهی، یک نوع شریک قائل شدن برای خدا و ضد توحید به حساب می‌آید. انگیزه‌هایی چون خودبینی، خودخواهی، غرور، عجب، تحقیر دیگران، تظاهر و خودستایی و **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** شرک خفی نامیده می‌شود و باعث بیگانه شدن از حق هستند. میزان در عرفان و حرمان، انگیزه است. هر قدر انگیزه‌ها به نور فطرت نزدیک تر باشند و از حجب و حتی حجب نور وارسته تر، به مبدأ نور وابسته ترند؛ تا آنجا که سخن از وابستگی نیز کفر است (سلطانی زمانی، شماره ۶۰، ص ۳۷-۳۸)

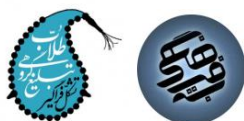
۱-۱-۲ تهذیب و تزکیه نفوس

کلمه «تهذیب» در زبان عربی از «هَذَب، يَهْذِبُ، هَذَبًا» گرفته شده است **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** این منظور می‌نویسد: اصل و ریشه تهذیب، از پاک و خالص کردن میوه حنظل از مغز آن و درمان تلخی اش گرفته شده است؛ تا این که آن میوه از تلخی درآمده و خوش خوراک شود (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۷۸۲). طریحی لغت شناس معروف عرب تهذیب را طهارت اخلاقی می‌داند و می‌فرماید: تهذیب الشیء: تنقیته. و رجل مهذب: أی مطهر الأخلاق، (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۸۴)

راغب اصفهانی، زکاه را به معنای رشد و نمو حاصل از برکت الهی می‌داند که هم در امور دنیوی و هم در امور اخروی معتبر است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۸۱) این واژه مشتق از: «زکاء، یزکوا، زکاه» است. و در بردارنده دو معنی است **سُحِبَ**

اول: طهارت، دوم: تعالی و رشد. بر این پایه، مسئولیت رسول خدا در ارتباط با مردم امی عرب دارای دو بخش است: اول، پاک گردانیدن عقول از خرافات شرک و اباطیل، تطهیر قلوب از قسوت جاهلیت، تطهیر اراده از شهوات حیوانی و خلق خوی درندگی و تطهیر رفتار از ردایل اخلاقی جاهلیت. دوم: رشد و نمو بخشیدن به عقول به وسیله معرفت، روشن گردانیدن قلوب به وسیله ایمان، تربیت اراده پیروان به وسیله اعمال نیک و تعالی بخشیدن به رفتار مسلمانان به وسیله التزام به عدالت و احسان و مکارم اخلاق (قرضاوی / سلیمی، ۱۳۸۲، ص ۱۶۰)

خداوند متعال در قرآن کریم در سه جا تزکیه را بر تعلیم مقدم داشته است: در سوره بقره آیه ۱۵۱؛ آل عمران آیه ۱۶۴ و سوره جمعه آیه ۲. در آیه ۲ سوره جمعه می‌خوانیم: **هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ** حضرت امام ذیل آیه ۲ جمعه و ۱۶۴ آل عمران بیان می‌دارند: مساله تربیت بالاتر از تعلیم است.... و مساله تزکیه نفس، اهمیت آن بیشتر از مساله تعلیم کتاب و حکمت است. مقدمه از برای این است که کتاب و حکمت در نفس انسان



واقع بشود (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۳، ص ۵۵) تزکیه را مقدمه علم ذکر فرموده است. از حکمت آیات شریف قرآن، در هر ذره ذره از آن نکات است. اینطور نیست که بی جهت مثل یک نویسنده باشد که مقدم یا موخر بودن ممکن است در نظر نباشد. (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۸، ص ۲۵۴) علم انسان را به جهنم می فرستد. گاهی علم فقه انسان را به جهنم می فرستد. گاهی علم اخلاق انسان را به جهنم می فرستد. با علم درست نمی شود. تزکیه می خواهد (یزکیهم). تزکیه مقدم است بر همه چیز. (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۹، ص ۱۳۴) ایشان ریشه ی همه ی گرفتاری های بشر را در عدم تزکیه می داند و بیان می دارد ریشه همه جنگها، عدم تزکیه است. همه این گرفتاری ها یی که برای این بشر است؛ از این نقطه شروع می شود و همه از انانیت انسان است و تمام جنگهای عالم از این انانیت پیدا می شود. **بَئْسَ مَومِنَ هَآءِی** با هم جنگ ندارند. اگر جنگی باشد بین دو نفر، باید بدانند که مومن نیستند. (خمینی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۰) هم چنین ایشان با الهام از آیات قرآن کریم که ارسال رسولان و تعیین اسوه و الگوی عملی را برای تزکیه و تهذیب نفس و کرامت و تعالی انسانها ضروری دانسته است و نیز آیاتی چون آیات مربوط به رویارویی موسی «علیه السلام» با فردی که سمت استادی بر او داشت؛ خضر نبی «علیه السلام»- و نیز با توجه به این که حرکت بدون راهنما در مسیر سلوک عرفانی و اخلاقی و کسب کرامت انسانی، به طور معمول لغزشگاههای فراوان دارد؛ بر این نکته تأکید می کند که سالک طریق عرفان که تزکیه و تهذیب اخلاقی ثمره طبیعی و ضروری آن است؛ می بایست به استادی بصیر و آموزنده اقتدا کند و با امامی وارسته در راه دستیابی به کرامت انسانی و تقرب به خداوند و رهایی از نفس، عروج نماید. (خمینی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۳-۱۳۴)

۱-۱-۳ پرهیز از تجمل گرایی و رفاه زدگی

یکی از آفت های مهمی که جامعه اسلامی ما را تهدید می کند؛ تجمل گرایی و رفاه زدگی و گرایش افراطی به ظواهر دنیوی است که غفلت از آراستگی های درونی و معنوی را بدنبال دارد. قرآن کریم از تجمل گرایی و ناز پروردگی به عنوان اتراف یاد می کند و در آیات مختلف آن را مورد نکوهش قرار می دهد. و إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فَمَرَرْنَاهَا تَدْمِيرًا (إسراء: ۱۶) خداوند متعال نازپروردگی و رفاه زدگی را یکی از عوامل انحطاط جوامع بشری معرفی می کند که هلاکت و نابودی سرزمین و اهل آن را به دنبال خواهد داشت **بِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ** بنابر آیه فوق، رفاه زدگان در معرض فسق و بی بند و باری قرار دارند و جامعه خود را به انحطاط و زوال خواهد کشاند. (حسین زاده اصفهانی، ۱۳۸۴، شماره ۵۲، صفحه ۱۰۳) یکی از شیوه های تربیتی که هم در جهت «تربیت نفس» (خودسازی) و هم در زمینه «تربیت نفوس» (تربیت اجتماعی) کارآمد است؛ روش ساده زیستی می باشد؛ امام خمینی (ره) با تاسی از قرآن کریم در هدایتگری ها و سخنان خود همواره مردم و عموم جامعه را از تجمل گرایی و رفاه زدگی بر حذر می داشت و آنان را به ساده زیستی هدایت می کرد و می فرمود: «ما باید کوشش کنیم که اخلاق کاخ نشینی را از این ملت بزداييم.» (خمینی، ۱۳۷۸، جلد ۱۷، صفحه



۳۷۵ اکثر این خوی های فاسد، از طبقه مرفه به مردم دیگر صادر شده است. طبع کاخ نشینی منافات با تربیت صحیح دارد. منافات با اختراع، تصنیف، تألیف و زحمت دارد. (همان، جلد ۱۷، صفحه ۳۷۴) امام خمینی (ره) عظمت انسان ها را در زندگی ساده آنها می دانست و با توصیه به الگوگیری از زندگی بی آرایش انبیا و پیامبران الهی می فرمود: «عظمت انسان به لباس و کلاه و اتومبیل و... امثال ذلک نیست. (خمینی، ۱۳۷۸، جلد ۱۳، صفحه ۴۸۷) انسان یک حقیقتی است که آن حقیقت اگر بروز کند؛ شرافتمند است؛ عظمت دارد که بزرگ ترین افراد بشر انبیا بودند و ساده ترین از همه آنها بودند. در عین حالی که بزرگ تر از همه بودند و همه آنها را به بزرگی می شناختند؛ در عین حال ساده ترین افراد بودند. در وضع زندگی شان، تمام انبیا این طور بودند و تاریخ همه آنها را نشان می دهد که با وضع بسیار ساده ای عمل می کردند» (همان، جلد ۱۳، صفحه

۴۸۷

امام خمینی (ره) چنانچه در گفتار خویش مردم و مسئولین را از رفاه زدگی برحذر می داشت و به ساده زیستی دعوت می نمود؛ خود نیز در صفحه عمل چنین بود. زندگی و معشیت امام خمینی (ره) نمونه ی کامل از زهد، قناعت و ساده زیستی بود و این شیوه تنها مربوط به دوران قبل از مرجعیت و رهبری او نمی شد بلکه زندگی ایشان همسان معمولی ترین اقشار جامعه بود (انصاری، ۱۳۸۹، ص ۱۸۶)

ایشان از آغاز تشکیل خانواده، اجاره نشین بودند و پس از چندین سال منزل ساده ای از اموال همسر خویش در قم تهیه نمودند (بسیار رودسری، ۱۳۸۳، ص ۹۵) پس از تبعید به عراق نیز خانه ای در یکی از خیابان های نجف اجاره کردند. فرش های بیرونی منزل امام در آنجا ناقص بود و بخشی از اتاق خالی مانده بود. یکی از یاران ایشان عرض می کند: اجازه بدهید که یک فرش برای اینجا تهیه شود؟ می فرمایند: آن طرف هست. می گوید آنجا گلیم است. بسیار با اینجا جور در نمی آید. می گویند: مگر منزل صدراعظم است. می گوید: بالاتر از صدراعظم است، منزل امام زمان است ایشان می فرمایند: امام زمان خودش هم معلوم نیست در منزلش چی افتاده است. (زمانی وجدانی، ۱۳۶۸، جلد ۱، ص ۱۷) بسیار در نجف، علی رغم هوای گرم آن امام یخچال و کولر نداشتند و تا شروع نهضت در منزل تلفن نداشتند و در جواب اعتراض شهرستانی هایی که نیاز به ارتباط ایشان داشتند؛ می فرمودند: پول بیت المال خرج رساله من و تلفن نشود و سرانجام یک نفر بازاری تلفنی به نام ایشان خریداری و نصب نمود (رک طباطبایی، ۱۳۷۹، ص ۵۲۴)

۱-۱-۴ پرهیز از اسراف و زیاده روی

در دین اسلام به لزوم قناعت و صرفه جویی و پرهیز از اسراف و زیاده روی تاکید شده است. از آیات ۱۳۱ سوره اعراف و ۲۸ سوره غافر می توان این گونه برداشت نمود که یکی از ملاکهایی که می تواند در الگو قرار دادن افراد مد نظر قرار گیرد؛ این است که این افراد دارای خصیصه ی اسراف نباشند. از سوی دیگر در آیه ۴۳ سوره غافر خداوند از اسراف کاران به عنوان



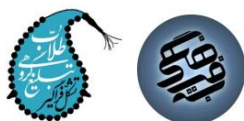
اصحاب آتش یاد کرده و در آیه ۸۳ سوره یونس از فرعون در زمره مسرفین یاد شده است که همگی دلیل بر شدت ناپسند بودن اسراف است علیه السلام

از مراقبت های دقیق و شیوه های زیبای امام خمینی (ره) برای عمل به تعالیم مقدس قرآن درباره « مصرف صحیح » صرفه جویی در مصرف و جلوگیری شدید اسراف در خرید بود. از میان نمونه ها و مصادیق این مراقبت و تلاش امام خمینی به ذکر دو نمونه بسنده می نمائیم. یکی از همراهان امام که از نزدیک با ایشان معاشر بوده است و در دوران تبعید امام در عراق رفتار و عملکردهای دقیق این پیشوای بزرگ را مشاهده کرده است؛ در مورد صرفه جویی در مصرف ایشان نقل می کند: در اتاق حضرت امام یک مهتابی با یک لامپ صد وات روشن بود که هنگام مطالعه یا نوشتن، چون این نور کافی نبود؛ یک لامپ دیگر را نیز روشن می کردند. بارها دیدم که معظم له از اتاقشان به طرف اندرون رفتند؛ ولی چند لحظه بعد، از میان راه برگشته، لامپ مهتابی را خاموش کرده و دوباره به طرف اندرونی رفتند. با آنکه در آن موارد معمولاً بیش از چند دقیقه در اندرونی نمی ماندند و دوباره به همین اتاق بر می گشتند. (رحیمیان، ۱۳۷۱، ص ۸۶ علیه السلام)

درباب پرهیز از اسراف در خرید نقل شده است که امام نسبت به امور مالی احتیاط فوق العاده ای داشتند. مثلاً اگر می خواستند ابلیمو بگیرند به خدمت گذار خود دستور می دادند: فقط پنج فلس بگیر. یعنی به اندازه یک لیوان. هر چند خدمتگذار اصرار می کرد که: یک شیشه می گیرم؛ امام می فرمودند: نه فعلاً به اندازه ای که لازم است؛ باید بگیرد. سبزی که می خواستند بگیرند بیش از چند فلس نمی گرفتند. (نظری، ۱۳۷۸، جلد ۲، ص ۵۶ علیه السلام)

۱-۱-۵ وظیفه شناسی

آموزه تکلیف، راهبردی بسیار ظریف و راهگشا برای یک انسان دین دار است که برای عمل و رفتار خود حجت معتبر و شیوه مطمئنی را می یابد. آموزه تکلیف در عمل و نظر، انسان را از افتادن در شبهات و مصلحت سنجی های نابجا حفظ و سمت و سوی الهی به رفتار او می دهد. یکی از سنت های مشترک همه انبیاء این است که باید اصول دعوت خود را به مردم برسانند و در این مورد از جانب پروردگار مورد سؤال قرار می گیرند و هیچ عذر و بهانه ای نیز از آنان پذیرفته نمی شود. پیامبران در برابر خدا مسئول هستند. (جوادی آملی، ۱۳۷۸، جلد ۶ علیه السلام صفحه ۱۱۳) از عمل و رفتار فردی تا عمل و رفتار سیاسی و اجتماعی حضرت امام خمینی (ره) همه برآمده از تکلیف گرایی واقع بینانه الهی است که خداوند را شاهد بر همه اعمال و رفتار آدمی و فرامین او را تنها راه نجات بشریت می داند. بنابراین، بر اساس این نگرش، هر مشکلی، آسان و هر غربت و تنهایی، به هماهنگی با جریان هستی مرتبط می شود. از این رو، زندگی حضرت که سرشار از عمل به تکلیف است؛ می تواند الگوی مناسبی برای سیاستمداران جامعه اسلامی باشد علیه السلام



در طول انقلاب اسلامی، شعار اصلی و مهم امام خمینی(ره) این بود که ما مأمور به انجام وظیفه هستیم؛ نه نتیجه. (خمینی، ۱۳۷۸، جلد ۲۱، ص ۲۸۴). امام خمینی(ره) چه پیش از پیروزی انقلاب و چه پس از آن، هیچ‌گاه به دنبال پست، جاه، مقام و این چیزهای رایج مادی نبود بلکه با تحمل سختی‌ها، تبعید پانزده ساله و شهادت نزدیکان و دوستان، به دنبال جهاد، شهادت و تحقق و پیشرفت اسلام بود. (موسوی، ۱۳۸۶، شماره ۱۱، ص ۶)

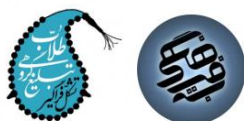
۱-۱-۶ انتقاد پذیری

در آموزه های دینی، به مقوله نقد و نقدپذیری، اهمیت فراوان داده شده است. **بِسْمِ اللَّهِ** واژه های نصیحت، تذکر، موعظه، استماع قول، اتباع احسن، توأسی به حق، دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر، هر یک به گونه ای، اهمیت و جایگاه نقد و نقدپذیری را بیان می کنند. نقص در وجود همه افراد و عملکرد آنها وجود دارد و انتقاد مقدمه اصلاح است. تا انتقاد نشود عیوب افراد شناخته نمی شود و اشخاص اصلاح نمی گردند. امام صادق(علیه السلام) می فرماید: **أَحَبُّ إِخْوَانِي إِلَى مَنْ أهدَى إِلَى عِيُوبِي** بهترین دوستانم کسانی هستند که عیب های مرا به من هدیه می دهند. (کلینی، ۱۴۰۷، ق، ج ۲، ص ۶۳۹)

امام خمینی(ره) درباره توجه به عیب های خود و پذیرش انتقاد و عمل به آن برای اصلاح می فرماید: بی عیب ما نداریم در دنیا و ما باید همیشه توجه مان به آن عیوب خودمان باشد... و انسان که بخواهد برای خدا کار بکند و به مقام انسانیت برسد؛ باید همیشه دنبال این باشد که ببیند چه عیبی دارد. دنبال این نباشد که ببیند چه حُسنی دارد. برای این که دنبال این که چه عیبی دارد؛ می شود که انسان در صدد رفع آن برآید و دنبال این که چه حُسنی دارد؛ پرده می شود در چشم انسان و نمی تواند عیوب خودش را ببیند **بِسْمِ اللَّهِ** امام خمینی، ۱۳۷۸، جلد ۱۷، ص ۱۶۱ **بِسْمِ اللَّهِ**

امام راحل درباره شیوه صحیح انتقاد کردن و انتقاد پذیری می فرماید: انتقاد برای ساختن، برای اصلاح امور، لازم است... لکن اگر آن که انتقاد می کند با آرامش خاطر و با نظر صحیح انتقاد بکند؛ این که جواب می دهد هم اگر با نظر صحیح و بدون این که غضب در آن راه داشته باشد جواب بدهد؛ آن وقت منطبق در مقابل منطبق است و اگر با هیاهو و جار و جنجال بخواهید شما یک مسأله را حل بکنید و هر کسی در نظر داشته باشد که طرف مقابل خودش را مثل یک دشمن بکوبد؛ عقل ها کنار می رود. قوه غضبیه، که بدترین قوه هاست؛ اگر مهار نشود؛ از کار می افتد و مسائل را علاوه بر اینکه حل نمی کند؛ مشکلتر می کند. (همان، ج ۱۴، ص ۳۶۷)

امام خمینی (ره) در بیان فرهنگ نقد، به این نکته توجه تمام داشت که مسؤولان و دست اندرکاران، هرگز نباید خود را منزّه و مبرا از نقد بدانند بلکه شایسته است که سخنان و نوشته های نقدآمیز را آویزه گوش سازند و آن را به عنوان (هدیه) و ره



آوردی الهی و آسمانی، به شمار آورند. نباید ماها گمان کنیم که هر چه می گوئیم و می کنیم؛ کسی را حق اشکال نیست. اشکال، بلکه تخطئه، برای رشد انسانها یک هدیه الهی است علیه السلام (خمینی، ۱۳۷۸، جلد ۲۰، صفحه ۴۵۱ علیه السلام)

امام(ره) به مدیران نظام اسلامی سفارش می کرد: شما و دوستانمان در وزارت امور خارجه، باید تحمل انتقاد را چه حق و چه ناحق داشته باشیم. (خمینی، ۱۳۷۸، جلد ۲۱، صفحه ۲۰) امام خمینی، این نکته را در باب نقد نیز به خوبی در سخنان و سیره اش ترسیم کرده و به روشنی بیان داشته است که در ترکیب دولت موقت و سپردن دولت به دست لیبرالها و افراد غیر انقلابی علیه السلام اشتباه شد. (من امروز بعد از ده سال از پیروزی انقلاب اسلامی، همچون گذشته اعتراف می کنم که بعضی تصمیمات اول انقلاب در سپردن پستها و امور مهمه کشور به گروهی که عقیده خالص و واقعی به اسلام ناب محمدی نداشته اند؛ اشتباهی بوده است که تلخی آثار آن به راحتی از میان نمی رود.) (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱، ص ۲۸۵ علیه السلام)

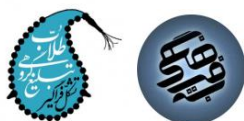
۱-۲ سیره و رفتار اجتماعی حضرت امام خمینی(ره)

سیره و رفتار اجتماعی امام خمینی (ره) طیف وسیعی از عملکردهای اخلاقی که به دور از منیت است فرا روی انسان ها قرار می دهد که در این راستا به چند نمونه اشاره خواهیم کرد علیه السلام

۱-۲-۱ حفظ آبروی مردم؛ پرهیز از غیبت

حفظ آبروی مردم و پرهیز از غیبت، تهمت، تحقیر و استهزا و ناسزاگویی از اموری است که در سیره آن بزرگ مرد تاریخ به روشنی پیدا بود. او نیک می دانست که حرمت مؤمن، از حرمت کعبه بالاتر است. چنان که از پیامبر گرامی اسلام (ص) روایت شده است: « آن حضرت به کعبه نگاه کرده را مورد تعظیم قرار داد و عظمت آن را بیان کرد. سپس فرمود: به خدا سوگند که حرمت مؤمن نزد خدا از حرمت تو بیشتر است؛ زیرا خداوند نسبت به تو یک چیز را حرام کرده است اما از مؤمن سه چیز را: خون، مال و بدگمانی به او را ». (ورام بن اَبی فراس، ۱۳۶۹، ص ۱۱۵ علیه السلام)

امام (ره) در رعایت و پاسداشت آبروی مردم به ویژه در پرهیز از غیبت بسیار جدی بودند و هیچ گاه نه تنها وجود خود را از این صفت تاریک و ناپسند دور نگه می داشتند بلکه دیگران را نیز شدیداً نهی می کردند علیه السلام مرحوم حاج سیداحمد آقا فرزند برومند ایشان در این باره می گوید: «آنچه مورد اتفاق همه است اینکه امام از جوانی حاضر نبودند در مجلس غیبت و در مجلس دروغ و گناه بنشینند. امام از همان اول شدیداً از دروغ و غیبت پرهیز داشتند علیه السلام از همان اول در مجلس غیبت نمی نشستند یا حرف را قطع می کردند (مظهری، ۱۳۸۴، شماره ۵۲ صفحه ۸۷) همسر امام (ره) نیز در این باره می گوید: من شصت سال بود که با این مرد زندگی کردم و در تمام این مدت شصت سال یک مرتبه ندیدم که ایشان یک غیبت از کسی بکنند یا یک دروغ بگویند. (فروغی، ۱۳۷۱، ص ۱۳۹). امام (ره) چنان در پرهیز از غیبت و حفظ آبروی مردم مراقب بودند که

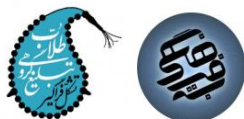


حتی از سخنانی که شاید به غیبت منجر می شد؛ نیز دیگران را باز می داشت. چنانکه مقام معظم رهبری در خاطره ای از ایشان بیان می کند: ما یک شب در خدمت امام بودیم. من از ایشان پرسیدم نظر شما نسبت به فلان کس چیست؟ نمی خواهم اسم بیاورم. یکی از چهره‌های معروف دنیای اسلام در دوران نزدیک به ما، که همه نام او را شنیدند. همه می شناسند. امام یک تأملی کردند. گفتند: نمی شناسم. پس بعد هم یک جمله‌ی مذمت‌آمیزی راجع به آن شخص گفتند. این تمام شد. من فردای آن روز یا پس فردا درست یادم نیست صبح با امام کاری داشتم. رفتم خدمت ایشان، بمجردی که وارد اتاق شدم و نشستم قبل از اینکه من کاری را که داشتم؛ مطرح کنم؛ ایشان گفتند که راجع به آن کسی که شما دیشب یا پریشب سؤال کردید «همین، نمی شناسم». یعنی آن جمله‌ی مذمت‌آمیزی را که بعد از «نمی شناسم» گفته بودند؛ پاک کردند. ببینید. این خیلی مهم است. آن جمله‌ی مذمت‌آمیز نه فحش بود؛ نه دشنام بود؛ نه تهمت بود. خوشبختانه من هم بکلی از یادم رفته که آن جمله چه بود. یعنی یا تصرف معنوی ایشان بود یا کم‌حافظگی من بود؛ نمی دانم چه بود. اما اینقدر یادم هست که یک جمله‌ی مذمت‌آمیزی بود. همین را ایشان آن شب گفتند. دو روز بعدش یا یک روز بعدش آن را پاک کردند. گفتند سبحانه، همان نمی شناسم. (خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، تاریخ ۱۳۸۹/۳/۱۴)

۱-۲-۲ خیرخواهی و هدایت‌گری

امروزه، نقش افکار عمومی در حکومت‌ها و جریان‌ها، امری انکارناپذیر است؛ به گونه‌ای که افکار عمومی در تصمیم‌گیری دولتمردان و ایجاد یا گسترش جنبش‌های اجتماعی و سیاسی، نقشی مهم و اساسی دارند. (نک: عالم، ۱۳۷۶، ص ۳۶۶؛ نقیب‌زاده، ۱۳۸۴، ص ۲۲۸ - ۲۳۰) هر اندازه که نقش آگاهی سیاسی در جامعه بالاتر باشد؛ قدرت و عزت بیشتری را برای اهل آن جامعه به همراه دارد. ولی اگر مردم از لحاظ سیاسی، ناآگاه و نسبت به امور سیاسی بی‌تفاوت باشند؛ جامعه و دولتمردان با مشکل روبه‌رو می‌شوند. خداوند نیز به عنصر هدایت‌گری و بیداری مردم توجه ویژه‌ای کرده است. (نک: سجده: ۲۴؛ نحل: ۴۴) در قرآن آمده است ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ. (نحل: ۱۲۵) مردم را به سوی راه پرودگارت با حکمت و موعظه دعوت کن و به نحو نیکو با ایشان به گفت‌وگو و بحث پرداز تسبیح

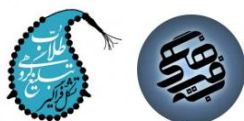
شگرد اصلی امام خمینی (ره) در طول مبارزات هدایت‌گرانه خود، با روش‌های ارسال پیام، سخنرانی، مصاحبه‌های مطبوعاتی و تربیت شاگردان بوده است. در سیره سیاسی حضرت امام، عنصر خیرخواهی نقش برجسته‌ای دارد. (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۲۵۹) حضرت امام با نقد دو دیدگاه، مکتب زور و قدرت و مکتب انضلام، حرکت سیاسی و اجتماعی خود را بر اساس خیرخواهی و هدایت‌گری تشریح می‌کند و در نقد روش رفتار سیاسی زورمدارانه برآمده از مکتب‌های سیاسی غرب می‌گوید: اگر می‌بینید سیاستمداران جهان و پیروان فریب خورده مکاتب غرب و شرق، تنها با زبان زور با مخالفین مواجه می‌شوند؛ برای این است که زبان دیگری بلد نیستند. در مکتب‌های ساخته فکر ناقص بشر قاصر، جز زورگویی، قلدری و



تخاصم، راه دیگری نشان داده نمی‌شود و این در لسان قرآن از خصلت‌های اهل جهنم است. (روحانی، ۱۳۸۱، ص ۱۲) همچنین به نکوهش رفتار سیاسی مبتنی بر مکتب انظلام می‌پردازد و بیان می‌دارد: عده‌ای هم آن طرف افتاده‌اند و می‌گویند اگر سیلی به صورتتان زدند؛ آن طرف صورت را هم جلو بیاورید تا بزنند و این فکر غلط و انحرافی را به بعضی انبیاء الله نعوذ بالله نسبت داده‌اند و از این راه، عده زیادی را اغفال و گمراه ساخته‌اند و این هم از نظر اسلام مذموم است و اسلام انظلام را کمتر از ظلم نمی‌داند (همان) ایشان در مقابل آن دو دیدگاه، به مکتب هدایت و خیرخواهی اشاره می‌کند و رفتار سیاسی و حرکت اجتماعی انبیا را در این مسیر تبیین می‌کند. در پارادایم مکتب هدایت، سیاست به معنای تدبیر و هدایت جامعه از دنیا به سوی آخرت، به منظور تقرب به خدای متعال است. چنین سیاستی به انبیای الهی و علمای واجد شرایط اختصاص دارد. (لک‌زایی، ۱۳۸۱، ص ۸۰)

۱-۲-۳ تحکیم وحدت

وحدت اسلامی، از مهم‌ترین ایده‌ها و آرمان‌هایی است که هر مسلمان آزاده‌ای، از صدر اسلام تا کنون، بر مبنای تعالیم اسلام داشته است. در این باره در منابع اصیل اسلامی، به خصوص قرآن کریم، واژه‌هایی همچون «امت» و «امت واحده» بهترین مؤید این مطلب است. انسجام و وحدت جمعی، مهم‌ترین مسئله امت اسلامی است. استعمارگران، پی به اهمیت آن برده و در سده‌های اخیر، درصدد شکستن آن برآمده و بهره‌های ظالمانه فراوانی برده‌اند. (موثقی، ۱۳۷۱، ش، ص ۳۸۳) در تحقیق وحدت، عوامل گوناگونی موثر است که مهم‌ترین آن نقش آفرینی بزرگان، عالمان و فرهیختگان کشورهای اسلامی است که می‌توانند با اقدامات موثر خود مردم مسلمان جهان را نسبت به ضرورت وحدت بین مسلمانان و توطئه‌های دشمن در زمینه تفرقه امت آگاه کنند. امام خمینی معتقد بود که ایمان به خدای یگانه و اعتقاد به رسالت خاتم انبیا (ص) و ایمان به قرآن مجید به عنوان منشور ابدی هدایت و اعتقاد به ضروریات و احکام دینی همچون نماز، روزه، زکات، حج و جهاد محورهای استواری برای وحدت عملی کلیه پیروان مذاهب اسلامی در برابر مشرکین و دشمنان دین هستند (انصاری، ۱۳۸۹) ص ۱۶۴-۱۶۵) ایشان برای ایجاد وحدت و تحکیم آن در میان مسلمانان تلاش زیادی کرد. از جمله تجویز پرداخت زکات به مبارزان فلسطینی در سال ۱۳۴۷ ش (خمینی، ۱۳۷۸، ش، ج ۲ ص ۱۹۴)، تاکید بر تشکیل جلسات دارالتقرب و اعزام نماینده به آن، اعلام روز جهانی قدس و جلب توجه جهان اسلام به مسئله فلسطین، توصیه به شرکت حجاج شیعه در نماز جمعه و جماعت برادران اهل سنت در مکه و مدینه، توصیه به هم‌زمانی وقوفین و عید قربان آنان (نک. خمینی، ۱۳۶۲، ش، دفتر ۱۵، ص ۱۰۹)، تاکید بر برگزاری جشن‌های هفته وحدت به مناسبت ولادت رسول گرامی اسلام (ص) از ۱۲ تا ۱۷ ماه ربیع الاول، توصیه به عوامل وحدت آفرین (نک. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۲، ص ۲۷-۲۹)، منع از دامن زدن به عوامل اختلاف ز.ا. (همان، ص ۲۲-۲۶) افزون بر موضع‌گیری‌های هوشیارانه امام و اقدامات خردمندانه ایشان موضوع وحدت میان فرق اسلامی به

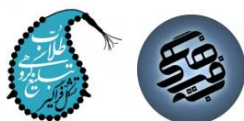


عنوان اصلی اساسی در منشور جمهوری اسلامی ایران، یعنی قانون اساسی، نیز مورد توجه قرار گرفته است. به حکم آیه **إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ** (الأنبياء: ۹۲) همه مسلمانان یک امت اند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد. (رک. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۰ش، اصل ۱۱ ق)

۱-۲-۴ عدم سازش با ظالمان

قرآن، دفاع از حق مظلوم را برای خود او یا دیگران لازم و ضروری دانسته است بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بدین خاطر، به رغم نکوهش آشکار ساختن بدی دیگران، این امر را برای مظلوم مجاز دانسته است: **لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا** (نساء س ۱۴۸) و در کنار نکوهش برخی از شاعران، آن دسته از شاعرانی را که از هنر شعر برای دفاع از حق خود و رفع ستم بهره می گیرند؛ ستوده و به آنان وعده ی یاری داده است: **وَ الشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ إِيَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ ذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَ انْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا** (شعراء: ۲۲۴-۲۲۷) در برخی از موارد قرآن دیگران را بخاطر کوتاهی در یاری رساندن به مظلومان مورد نکوهش قرار داده است: **وَ مَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ وَ الْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا** چرا در راه خدا و (در راه) مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده اند؛ پیکار نمی کنید؟ همان افراد (ستم دیده ای) که می گویند س پروردگارا ما را از این شهر (مکه) که اهلش ستمگرند؛ بیرون ببر. (نساء: ۷۵)

در سیره ی پیشوایان دینی به عنوان الگوهای رفتار مومنان، ظالم ستیزی و یاری به مظلوم کاملاً مشهود است. به عنوان نمونه امام خمینی (ره) سازش ناپذیری با ظلم و ابر قدرت های فاسد را میراث گران بهای انبیا دانسته و می فرماید: **آنهایی که به ما اشکال می کنند که شما چرا سازش نمی کنید با این قدرت های فاسد، آنها از باب این که همه چیز را با چشم مادی ملاحظه می کنند؛ آنها نمی دانند انبیای خدا چه رویه ای داشتند؛ با ظلم چطور برخورد می کردند یا می دانند و خودشان را به کوری و کوری می زدند. سازش با ظلم، ظلم بر مظلومین است. سازش با ابر قدرت ها ظلم بر بشر است. آنهایی که به ما می گویند سازش کنید یا جاهل هستند یا مزدور، ایشان معتقد بود که مسلمانان و محرومان جهان یا باید سیلی از ابر قدرت ها دریافت کنند یا اینکه باید به آنان سیلی بزنند و راه سیلی زدن به ابر قدرت ها را نیز به دیگران بیاموزند. بر این اساس امام راحل (ره) در همین باره فرمودند: **من به تمام دنیا با قاطعیت اعلام می کنم که اگر جهان خواران بخوانند در مقابل دین ما بایستند؛ ما در مقابل همه دنیای آنان خواهیم ایستاد و تا نابودی تمام آنان، از پای نخواهیم نشست. یا همه آزاد می شویم یا به آزادی بزرگ تری (که شهادت) است؛ می رسیم. در هر حال پیروزی و موفقیت با ماست.** (توکل، ۱۳۸۷/۳ ق)**



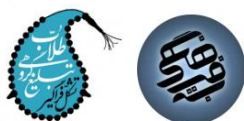
۱-۲-۵ همدردی با محرومان و مستضعفان

آن چه بیش از همه عناصر و ویژگی ها، اخلاق امام را روح قرآنی بخشیده است؛ عنصر خدمت، خیر اندیشی و همدردی با محرومان و مستضعفان بود. ایشان با آنکه شجاع و با صلابت بود؛ قلبی رئوف داشت. از رنج و محنت محرومان در غم بود. با مستمندان همدردی می کرد و در زمان تمکن و قدرت به دستگیری آنان می شتافت. در تمام و یا اکثر سخنرانی های امام مسائل مستضعفان مطرح بوده و همیشه مورد توجه ایشان قرار داشتند. این حمایتها از غیرت و حساسیت دینی آن بزرگوار سرچشمه می گرفت و از چشمه رحماء بینهم (فتح: ۲۹) سیراب می شد. خدا می داند که من گاهی وقتها که به فکر می افتم زمستان آتیه چه خواهد شد؟ خوب ناراحت هستم. ما ناراحت هستیم. اینها آیا نان دارند؛ ندارند؟ امسال هم که وضع خواربار خوب نیست؛ چه خواهد شد؟ (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۹۴)

حضرت امام خمینی (ره) در جمع اقشار مختلف مردم جنوب تهران، نقش محرومان در انقلاب را این چنین توصیف می کند و بیان می دارد طبقه محروم، طبقه ای گود نشین است؛ طبقه ای که این نهضت را به ثمر رساند و توفیق هم نداشت. من شما طبقه گودنشینان را از آن کاخ نشینان بالاتر می دانم؛ اگر آنها لایق این باشند که با شما مقایسه بشوند. من وقتی که در انقلاب می دیدم که یک پیرمردی از آن گودنشینها از آن منزل محقر خرابه بیرون می آمد و می گفت که ما با بچه هایمان صبح که می شود می رویم برای تظاهرات؛ [مباهات می کردم]. یک موی شما بر همه آن کاخ نشینها و آنهايي که در این انقلاب هیچ فعالیتی نداشتند؛ بلکه کارشکنی هم تا آن اندازه که می توانستند؛ می کردند و الآن هم هر مقدار که بتوانند؛ می کنند؛ یک موی شما بر همه آنها ترجیح دارد؛ بلکه مقایسه یک موی شما با آنها نباید صحیح باشد (خمینی، ۱۳۶۰، ج ۱۴، ص ۲۶۱) همه محرومان باید خانه داشته باشند. هیچ کسی در هیچ گوشه مملکت نباید از داشتن خانه محروم باشد. بر دولت اسلامی است که برای این مسئله مهم چاره ای بیندیشد و بر همه مردم است که در این مورد همکاری کنند. این جانب حسابی به شماره ۱۰۰ در تمام شعب بانک ملی افتتاح کرده و از همه کسانی که توانایی دارند؛ دعوت می کنم که برای کمک به خانه سازی برای محرومان به این حساب پول واریز کنند. (خمینی، ج ۶، ص ۵۱۹)

نتیجه

قرآن کریم کتاب زندگی، نور و معرفت است و توجه به آن در همه اعصار مورد اهتمام مسلمانان و مایه تکامل و پیشرفت آنان بوده است. در جهان اسلام همواره مصلحان بزرگی برای احیای فرهنگ قرآنی و بازگشت به آن به پا خاسته اند که در این میان حضرت امام خمینی در بعد وسیع تر و در گسترده جهانی درخشیده و نام خود را در قله رفیع دعوت به قرآن و آموزه های آن ثبت کرده است. سیره ی عملی حضرت امام خمینی (ره) که الگوی مجسم و مصداق بارز رفتاری آیه اشداء علی الکفار رحماء بینهم (فتح: ۲۹) می باشد؛ سرمشق مناسبی برای همه انسان های خداجو، آزاده و موحد می باشد. در این میان

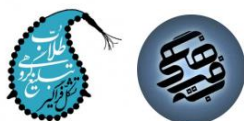


اندیشه‌ها و الگوهای رفتاری امام (ره) دارای ابعاد و ویژگی‌های ارزشمندی است که می‌تواند چراغ پرفروغی فراروی پیروان راستین مکتب قرآن و عترت باشد. آموزه‌ها و الگوهای اعتقادی امام (ره) در نخستین گام، جان مایه‌ی پیام خود را از کلام مقدس الهی گرفته و همه‌جا گرداگرد قرآن دور می‌زند. تشویق و عمل به تهذیب و تزکیه نفوس، اخلاص، وظیفه‌شناسی و تکلیف‌گرایی، پرهیز از تجمل‌گرایی و رفاه‌زدگی، پرهیز از اسراف و زیاده‌روی و انتقادپذیری، از جمله بایسته‌ها و الگوهای رفتار فردی امام خمینی (ره) می‌باشد.


در بررسی الگوهای رفتار اجتماعی امام (ره) مقوله‌ی ایجاد وحدت و همدلی را نقطه عطف رسیدن به آرمانهای ناب تلقی می‌کرد و همه مصلحان و پیشوایان مسلمان را در راه تحقق بخشیدن به این مسأله مهم الگو می‌دانست. حفظ آبروی مردم و پرهیز از غیبت، خیرخواهی، هم‌زبانی و هدایت‌گری، عدم سازش با ظالمان، همدردی با محرومان و مستضعفان از مهم‌ترین و برجسته‌ترین اندیشه‌ها و الگوهای رفتار اجتماعی امام می‌باشد.


منابع

- امینی، ابراهیم، (۱۳۷۹) « جایگاه و الگوی زن مسلمان در اندیشه امام خمینی (ره) » مجله: پیام زن، شماره ۹۹
- انصاری، حمید، (۱۳۸۹) حدیث بیداری (نگاهی به زندگینامه آرمانی، علمی و سیاسی امام خمینی (ره))، تهران: موسسه تکا
- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق) لسان العرب. بیروت، انتشارات دار صادر، چاپ سوم
- توکلی، یعقوب، (۱۳۸۷) اسرائیل یک گام تا اضمحلال کامل، پورتال جامع علوم اسلامی، (سوره)
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۸) تفسیر موضوعی قرآن کریم (سیره پیامبران علیهم السلام در قرآن)، قم: اسراء
- ۱۳۷۸ ولایت فقیه: ولایت فقاقت و عدالت، قم، نشر اسراء
- حسین زاده اصفهانی، احمد رضا، (۱۳۸۴) « تجمل‌گرایی آفت جامعه اسلامی (با تأکید بر دیدگاه‌ها و سیره امام خمینی ره) »، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، مجله: گنجینه، شماره ۵۲، صفحه ۱۰۳
- خامنه‌ای، علی، خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران در حرم امام خمینی (ره) تاریخ ۱۳۸۹/۳/۱۴ سایت
- خمینی، روح‌الله، (۱۳۷۸) صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)
- (۱۳۷۸ش) صحیفه امام (مجموعه آثار امام خمینی ره)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، چاپ اول



صحیفه امام (نرم افزار مجموعه آثار امام خمینی ره)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) چاپ چندم و سال
ننوشته است

۱۳۸۸  آداب الصلاة، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ شانزدهم

۱۳۸۸  تفسیر سوره حمد، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ یازدهم

خمینی، روح الله، (۱۳۶۲ ش)، در جستجوی راه از کلام امام، تهران، امیر کبیر، چاپ اول، دفتر ۱۵

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ ق) مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، دار القلم، چاپ اول

رحیمیان، محمد حسن، (۱۳۷۱) درسایه آفتاب (یادها و یادداشتهایی از زندگی امام خمینی قم): انتشارات موسسه پاسدار
اسلام، چاپ دوم

روحانی، حمید، (۱۳۸۱) نهضت امام خمینی (دفتر اول)، تهران، عروج


رودسری، حسین، (۱۳۸۳) پرتوی از خورشید: خاطراتی از دوران زندگی حضرت امام خمینی (ره) ویژه نوجوانان و جوانان،
تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)

زمانی وجدانی، مصطفی، (۱۳۶۸) سرگذشتهای ویژه از زندگی حضرت امام خمینی (ره) بروایت جمعی از فضلا، گردآوری و
تنظیم مصطفی وجدانی، تهران: پیام آزادی،

سلطانی زمانی، مهدی، پایه ها و راهبرد های اخلاقی کرامت انسانی در بینش و منش امام خمینی (ره)، مجله حضور، ش ۶۰

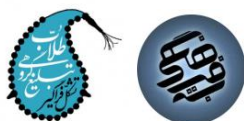
شریعتی، محمد تقی (۱۳۸۴)، وحی و نبوت در پرتو قرآن، تهران، موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، چاپ اول

شفیعی، رضا، «امام و اخلاص ۱»، پایگاه اطلاع رسانی و خبری جماران، تهران، کد خبر ۲۵۸۱۰، تاریخ ۱۳۹۲/۰۲/۳۰

طباطبایی، فاطمه، (۱۳۷۹) یک ساغر از هزار  سیری در عرفان امام خمینی، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام
خمینی (س)، موسسه چاپ و نشر عروج

طباطبایی، محمد حسین، (۱۴۱۷ ق) المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ
پنجم

طریحی، فخرالدین، (۱۳۷۵) مجمع البحرين، تهران، انتشارات مرتضوی، چاپ سوم



عالم، عبدالرحمن، (۱۳۷۶) بنیاد علم سیاست، تهران، نشر نی هجری

فروغی، فتح‌الله [و دیگران] (۱۳۷۱)، گلهای باغ خاطره، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۶۸) تهران، اداره کل قوانین و مقررات کشور، چاپ اول

قرضاوی، یوسف سلیمی، عبدالعزیز، (۱۳۸۲) قرآن منشور زندگی، تهران، انتشارات احسان، چاپ اول

کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق) تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق هجری

لکزایی، نجف، (۱۳۸۱) اندیشه سیاسی صدر المتألهین، قم، بوستان کتاب

معرفت، محمد هادی، (۱۳۸۱) علوم قرآنی، قم، موسسه فرهنگی التمهید، چاپ چهارم

مظهری، محمدحسن، (۱۳۸۴) «اخلاق اقتصادی، حق الناس در سیره امام خمینی (ره)» مجله: گنجینه، شماره ۵۲

موثقی، احمد، (۱۳۷۱ ش) استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم، چاپ اول

موسوی، مهدی، «تجلی قرآن در نهضت عاشورا» سایت معارف قرآن

۱۳۸۶ هجری رفتار سیاسی حضرت ابراهیم الگوی امام خمینی در انقلاب اسلامی، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال سوم، شماره ۱۱

نصیری، علی، (۱۳۹۰) امام حسین (ع) پیشوای روشنایی ها، تهران، انتشارات وحی و خرد، چاپ اول

نظری، مرتضی، (۱۳۷۸) ستاره‌ای که درخشید، تهران: نشر اسپید

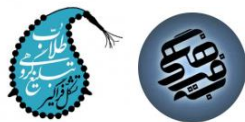
نقیب‌زاده، احمد، (۱۳۸۴) درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، سمت هجری

ورام بن اَبی فراس، مسعود بن عیسی، (۱۳۶۹ ش) مجموعه ورام، آداب و اخلاق در اسلام / ترجمه تنبیه الخواطر، مشهد، چاپ اول

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، (۱۳۶۲ ش) کتاب وحدت، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول

منبع: پایگاه اطلاع رسانی حوزه





سامانه انتشار محتوای تشکل فراگیر تبلیغ گروهی طلاب